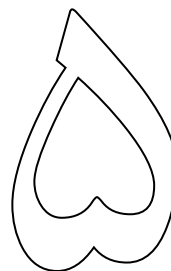


# رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران



احمد سلطانی نژاد\*

مه‌دی شاپوری\*\*

soltani123@gmail.com

\* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ تصویب: ۹۵/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۸

فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۷۶-۱۴۵.

## چکیده

شناخت رویکرد و سیاست اتحادیه اروپا در مسئله هسته‌ای ایران و عوامل تاثیرگذار بر آن از جهات مختلف حائز اهمیت است و می‌تواند به‌عنوان تجربه ارزشمندی برای جمهوری اسلامی ایران در روابط با این اتحادیه و اعضای آن در آینده عمل کند. این مقاله با طرح این پرسش که «رویکرد اتحادیه اروپا در مورد مسئله هسته‌ای ایران چگونه بوده و چه عواملی در این راستا تاثیرگذار بوده‌اند؟»، به کندوکاو در این باب پرداخته و تلاش دارد با نگاهی جامع، این موضوع را مورد بررسی قرار دهد؛ علاوه بر این، تلاش بر این است تا با شناخت بهتر این مسئله، درس‌هایی برای آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا و به‌ویژه اعضای موثر آن ارائه شود. استدلال اصلی مقاله این است که در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از اول انقلاب تاکنون، چرخه‌ای از تعامل و تقابل وجود داشته و نحوه برخورد اتحادیه اروپا با کشورمان در مسئله هسته‌ای نیز در چهارچوب همین چرخه قابل درک است. ریشه این چرخه تعامل و تقابل عمدتاً به دو موضوع برمی‌گردد: یکی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام بین‌الملل و غرب و نحوه تعامل با اروپایی‌ها در مورد اختلافات فی‌مابین و دیگری، رویکرد امریکا نسبت به ایران است. البته مسائل دیگری مانند امنیت و ثبات خاورمیانه، سطح بالای روابط اتحادیه اروپا به‌ویژه تروئیکای این اتحادیه با رقبای دشمنان منطقه‌ای ایران، برآوردهای سرویس‌های جاسوسی برخی کشورهای اروپایی نیز در برخورد اروپایی‌ها با ایران در بحث هسته‌ای تاثیر داشته‌اند که در این مقاله به آنها نیز اشاره خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** مسئله هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا، سیاست خارجی ایران، تقابل، تعامل

## مقدمه

از سال ۲۰۰۳ که برنامه هسته‌ای ایران به یک مسئله بحث‌برانگیز در محافل بین‌المللی تبدیل شد، رویکرد اتحادیه اروپا به این موضوع از تعامل تا تقابل در نوسان بوده است. در ابتدا این اتحادیه از تعامل، گفت‌وگو و مذاکره با ایران برای حل و فصل این مسئله طرفداری می‌کرد، اما به مرور زمان، دیپلماسی اجبار<sup>۱</sup> را جایگزین رویکرد سابق، یعنی تعامل با ایران برای حل مسئله هسته‌ای نمود. منظور از دیپلماسی اجبار، نوعی از دیپلماسی است که در آن طرف "الف" ابتدا تقاضا یا خواهش‌های را در رابطه با طرف "ب" مطرح می‌کند، اگر "ب" این خواهش‌ها را اجابت نکرد، در قدم دوم، "الف" تهدید را نیز به تقاضا اضافه می‌کند؛ اگر "ب" این اقدام را هم نادیده گرفت، در مرحله سوم، "الف" به عملی ساختن تهدیدات خود در برابر "ب" اقدام می‌نماید (2: Sauer, 2006). در واقع، اتحادیه اروپا که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ تمایل چندانی به برخورد اجبارآمیز با ایران نداشت، از ۲۰۰۵ به بعد، به مرور زمان از سیاست تعامل با ایران فاصله گرفت؛ به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۹ به صورت یکدست در درون و متعهد با بیرون (اتحاد فرآتلانتیکی)، به اقدامات مهمی از جمله تحریم‌های مستقلانه علیه جمهوری اسلامی ایران دست زد. با شروع مذاکرات جدی هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ در سال ۱۳۹۲، اروپایی‌ها به‌رغم برخی برخوردها به‌ویژه از سوی فرانسوی‌ها و در مقطعی آلمان‌ها، تلاش بسیار زیادی برای نزدیک نمودن دیدگاه‌های دوطرف اصلی مسئله هسته‌ای یعنی ایران و امریکا صورت دادند. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تمامی مراحل

مذاکرات سعی کرد هم به‌عنوان هماهنگ‌کننده مواضع ۵+۱ عمل کند و هم به‌عنوان یک میانجی برای نزدیک نمودن دیدگاه‌های ایرانی‌ها و امریکایی‌ها باشد.

بعد از شکل‌گیری توافق کوتاه‌مدت ژنو یا «برنامه اقدام مشترک»، یخ روابط ایران و اروپا شکسته شد و با توافق جامع یا «برنامه جامع اقدام مشترک»، تعاملات دیپلماتیک و رفت‌وآمد هیئت‌های سیاسی و اقتصادی میان پایتخت‌های اروپایی و تهران به اوج رسید. در حدود ۹ ماهی که تاکنون از توافق جامع می‌گذرد، معاون صدر اعظم و وزیر اقتصاد آلمان، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، وزیر امور خارجه فرانسه، وزیر امور خارجه و وزیر توسعه ایتالیا، وزیر امور خارجه صربستان، معاون وزیر خارجه سوئیس، وزیر خارجه بریتانیا، وزیر امور خارجه آلمان (۲ مرتبه)، وزیر خارجه اسپانیا، رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه اتریش، وزیر خارجه چک، وزیر خارجه بلژیک، وزیر امور خارجه یونان، نخست‌وزیر یونان، نخست‌وزیر مجارستان، وزیر خارجه لوکزامبورگ، وزیر خارجه بلغارستان، وزیر امور خارجه دانمارک، رئیس پارلمان اروپا، معاون وزیر امور خارجه و وزیر اقتصاد لهستان، رئیس مجلس سنای فرانسه، رئیس مجلس صربستان و نخست‌وزیر ایتالیا از جمله مقامات ارشد اروپایی بوده‌اند که به تهران سفر نموده‌اند. این رفت‌وآمدهای دیپلماتیک کم‌نظیر و کم‌سابقه بوده است. براساس برآورد سازمان توسعه تجارت ایران، در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۴، تعداد ۱۴۵ هیئت تجاری از ۴۸ کشور به ایران سفر نمودند، که ۴۸ مورد از این هیئت‌ها اروپایی بوده‌اند. آلمان‌ها با ۱۲ هیئت، ایتالیا و صربستان هرکدام با ۵ و انگلستان با ۴ هیئت بیشترین آمار را در این مورد به خود اختصاص داده‌اند. در میان همه این هیئت‌ها، هیئت ایتالیایی که آذرماه به ریاست معاون وزیر اقتصادی این کشور به تهران آمد، با ۳۶۰ نفر و بعد از آن هیئت همراه رئیس‌جمهوری اتریش با ۳۰۰ نفر، بزرگ‌ترین هیئت‌هایی بوده‌اند که در سال ۱۳۹۴ به ایران سفر کرده‌اند (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۴).

بیشتر این دیدارها و سفرها به ایران، برای اولین بار (مثل سفر رئیس‌جمهور اتریش) یا برای اولین بار بعد از یک دهه یا بیشتر از آن، صورت گرفته است. سفر رئیس‌جمهوری ایران به فرانسه و ایتالیا در بهمن‌ماه و امضای قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی به ارزش بیش از ۵۰ میلیارد دلار با این دو کشور (بیش از ۱۸ میلیارد

دلار با ایتالیا در زمینه‌های همچون انرژی، زیرساخت، فولاد، کشتی‌سازی، بازرگانی، همکاری‌های بندری، حفظ نباتات، پزشکی و دارویی و ۳۳ میلیارد دلار با فرانسه شامل توافقات مهمی با شرکت‌های خودروسازی پژو سیتروئن، هواپیماسازی ایرباس و نفتی توتال) بسیار مهم بوده و به‌نوعی سرآغاز تلاش‌های ایران و اروپایی‌ها برای عملیاتی نمودن فرایند گسترش روابط در شرایط بعد از توافق جامع محسوب می‌شود. بازگشایی سفارت بریتانیا در تهران و سفارت ایران در لندن هم‌زمان با سفر وزیر خارجه بریتانیا به تهران، از اتفاقات مهمی بود که در روابط ایران و اروپا اتفاق افتاد. ابراز تمایل وزیر خارجه اسلونی به بازگشایی سفارت کشور متبوعش در تهران، نمونه دیگری از تمایل اروپایی‌ها برای گسترش مناسبات با ایران در فضای بعد از توافق جامع به‌شمار می‌رود. کارل اریاوتس، وزیر امور خارجه اسلونی، در دیداری که با وزیر امور خارجه ایران در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل داشت، ضمن اعلام قصد دولتش جهت بازگشایی سفارت در ایران، گفت که کشورش «با توجه به اشتیاق صاحبان تجارت اسلونی برای ورود به بازار ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور، اتاق بازرگانی اسلونی در تهران را نیز فعال خواهد کرد». این در حالی است که در سال ۱۳۹۱، دولت اسلونی به بهانه وضعیت نامناسب مالی و اقتصادی این کشور، سفارت خود را در تهران تعطیل کرده بود؛ مسئله‌ای که در عرف دیپلماتیک نشانه به‌صرفه نبودن و عدم سودمندی روابط سطح بالا با طرف مقابل است.

توضیحات فوق به‌خوبی نشان می‌دهد که رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران، در میان گزینه‌های تعامل و تقابل در نوسان بوده است. هدف این مقاله پرداختن به چرایی این مسئله است. در واقع سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه چرا رویکرد اتحادیه اروپا در مورد مسئله هسته‌ای ایران از تعامل تا تقابل در نوسان بوده و چه عواملی در این راستا تعیین‌کننده بوده‌اند؟ استدلال اصلی مقاله این است که در روابط میان جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا از همان اوایل انقلاب تاکنون، چرخه‌ای از تعامل و تقابل وجود داشته و نحوه برخورد اتحادیه اروپا با کشورمان در مسئله هسته‌ای نیز در چهارچوب همین چرخه قابل درک است. ریشه این چرخه تعامل و تقابل به دو موضوع

برمی‌گردد: یکی، نوع جهت‌گیری‌ها و عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام بین‌الملل و غرب به‌طور کلی و اروپا و انتظارات آن به‌طور خاص؛ دیگری، مناسبات ایران و آمریکا و رویکرد آمریکا نسبت به ایران. در مقطعی که جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال تنش‌زدایی و تعامل در روابط و مناسبات خود با جهان و به‌ویژه اروپا بوده و تلاش کرده با اروپایی‌ها در مورد انتظارات آنها از ایران در مورد مسائلی مانند حقوق بشر بحث و گفت‌وگو کند، اتحادیه اروپا تلاش نموده رابطه خوبی با این کشور داشته باشد و بالعکس. همچنین در زمان‌هایی که روابط ایران و آمریکا وارد تنش‌های فزاینده شده، اروپایی‌ها نه تنها تمایلی به بهبود و افزایش مناسبات خویش با جمهوری اسلامی انجام نداده‌اند، بلکه در اعمال فشارها بر کشورمان، همراهی کرده‌اند.

البته مسائل دیگری مانند امنیت و ثبات خاورمیانه، سطح بالای روابط اتحادیه اروپا به‌ویژه تروئیکای این اتحادیه با رقبای و دشمنان منطقه‌ای ایران، برآوردهای سرویس‌های جاسوسی برخی کشورهای اروپایی نیز در برخورد اروپایی‌ها با ایران در بحث هسته‌ای تاثیر داشته‌اند که در این مقاله به آنها نیز اشاره خواهد شد. سازماندهی این مقاله به این صورت خواهد بود که ابتدا چهارچوبی مفهومی برای درک الگوی روابط و مناسبات ایران و اتحادیه اروپا ارائه می‌شود. این چهارچوب مفهومی، از تاریخ و تجربیات روابط حدود چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا استخراج می‌شود؛ سپس در قالب این چهارچوب، رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت نیز با نگاهی آینده‌نگرانه، چشم‌انداز پیش‌روی روابط ایران و اتحادیه اروپا و سناریوهای محتمل و ممکن در این راستا مورد بحث قرار خواهد گرفت. با توجه به بحث‌هایی که در مورد وضعیت سیاست خارجی و روابط ایران با جهان در فضای پس از توافق مطرح است و نیز جایگاه ویژه‌ای که اروپا در این بحث‌ها دارد، حوزه‌هایی که اتحادیه اروپا و ایران امکان یا تمایل به همکاری با یکدیگر دارند را بررسی خواهیم کرد.

## ۱. پیشینه

روابط ایران و اروپا از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تاکنون با افت و خیزها و نوسانات زیادی همراه بوده است. اروپایی‌ها که بعد از حوادثی همچون شوک نفتی ۱۹۷۳ و فروپاشی نظم اقتصادی بروتون و ودز<sup>۱</sup> رویکرد نسبتاً متفاوتی از آمریکا در رابطه با خاورمیانه در پیش گرفته بودند، با وقوع انقلاب در ایران و حادثه گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران، به‌رغم منافی که در بازار ایران و نفت این کشور داشتند، به دلیل درک مشترکی که با آمریکا از تهدید انقلاب اسلامی داشتند، تن به سیاست واحد فرآتلاتنتیکی در برابر ایران دادند (Ünver Noi, 2005: 83). ربوده شدن شهروندان و دیپلمات‌های اروپایی و امریکایی در لبنان، ماجرای فتوای قتل سلمان رشدی (نویسنده کتاب آیات شیطانی) توسط امام خمینی (ره) و برخی اتهامات علیه جمهوری اسلامی ایران در مورد ترور مخالفانش در کشورهای اروپایی، باعث شد تا در دو دهه اول انقلاب، روابط ایران با اتحادیه اروپا تیره بماند. اروپایی‌ها به‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در عمل به حمایت‌های متعدد تسلیحاتی از صدام حسین پرداختند. البته در مواردی نیز بعضی از کشورهای اروپایی به جمهوری اسلامی ایران کمک‌هایی کردند. با وجود روابط سیاسی نامساعد میان ایران و اروپایی‌ها در دو دهه اول انقلاب و به‌رغم برخی تحریم‌های این اتحادیه علیه جمهوری اسلامی به دنبال مسئله گروگانگیری (تحت مواد ۱۱۳ و ۲۲۳ قرارداد رم)، همچنان کشورهای اروپایی به‌عنوان مهمترین شریک اقتصادی و تجاری ایران باقی ماندند. بعد از بحران گروگانگیری، کشورهای اروپایی در فشار بر ایران در حوزه اقتصادی، با آمریکا همراهی قابل توجهی نکردند (علیخانی، ۱۳۸۴). اروپای غربی بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در دوران بعد از انقلاب و در طول جنگ تحمیلی باقی ماند.

سهم کشورهای این منطقه در واردات ایران از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، معادل ۴۷/۸ درصد بوده است (Estelami, 1999: 55). صادرات اتحادیه اروپا به ایران بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ به‌طور میانگین سالانه ۶ میلیارد دلار و واردات آن از ایران طی

همین دوران به‌طور میانگین سالانه ۶/۱۴ میلیارد دلار بوده است (Kamel, 2015: 125). البته اروپایی‌ها یکی از شرکای تجاری اصلی صدام حسین نیز بودند. بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ اتحادیه اروپا به‌طور میانگین سالانه ۶/۲۷ میلیارد دلار صادرات به عراق داشته و در مقابل، واردات این اتحادیه از عراق به‌طور میانگین سالانه معادل ۳/۹۰ میلیارد دلار بوده است (Kamel, 2015: 125). در دوران بعد از جنگ، رهبران ایران تمایل بیشتری به گسترش روابط سیاسی با جهان از خود نشان دادند. دولت هاشمی رفسنجانی رویکرد تنش‌زدایی را در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفت که یکی از نتایج آن، شکل‌گیری «گفت‌وگوهای انتقادی» بین ایران و اتحادیه اروپا بود. بحث گفت‌وگوهای انتقادی در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲، در نشست شورای وزیران اتحادیه اروپا در آیدنبرگ مطرح شد. هرچند گفت‌وگوهای انتقادی دستاوردهای نسبتاً خوبی داشت، اما با صدور رأی دادگاه آلمانی میکونوس علیه برخی از مقامات عالی ایران، این گفت‌وگوها تعلیق و روابط طرفین دوباره تیره شد. کشورهای اروپایی سفرای خود را از تهران فراخواندند و ایران نیز مقابله به مثل کرد. با وجود این، در تمام دهه ۱۹۹۰، اروپایی‌ها سطح روابط تجاری خود با ایران را بالا نگه داشتند.

بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲، صادرات کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ایران به‌طور میانگین سالانه ۱۳/۴۹ میلیارد دلار بوده است. در همین دوره، میزان صادرات ایران به کشورهای عضو این اتحادیه، به‌طور میانگین سالانه ۶/۸۹ میلیارد دلار بوده است. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲، ارزش صادرات اتحادیه اروپا به ایران به‌طور میانگین سالانه ۶/۴۸ میلیارد دلار و میزان واردات این اتحادیه از کشورمان در این بازه زمانی به‌طور میانگین سالانه معادل ۶/۷۸ میلیارد دلار بوده است (Kamel, 2015: 126-128). تیرگی روابط ایران و اتحادیه اروپا بعد از دادگاه میکونوس دیری نپایید و با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری هفتم ایران، روابط ایران و اتحادیه اروپا از سر گرفته شد. سفرای اروپایی به تهران برگشتند و متقابلاً سفرای ایران نیز به محل خدمت خود بازگشتند. در نشست مارس ۱۹۹۸ شورای اروپا (شورای وزیران) در بروکسل، بر تجدید گفت‌وگوها و افزایش مناسبات سیاسی با ایران تأکید شد. در نشست ژوئن (در لوکزامبورگ) همین سال نیز شورای اروپا



رویکرد «دیالوگ اساسی و فراگیر» را به منظور گسترش روابط با ایران مطرح کرد. حتی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به مدت کوتاهی همکاری‌های ایران و اروپا اوج گرفت. وقتی بوش در سال ۲۰۰۲ ایران را عضوی از محور شرارت نامید، اروپایی‌ها شگفت‌زده شدند و بوش را به خاطر عدم طرفداری از راه‌حل تعامل در مورد مناقشات خاورمیانه سرزنش کردند. بخصوص که در رابطه با ایران، به نظر آنها، سیاست اتحادیه اروپا از تعامل با ایران به مراتب سازنده‌تر از سیاست رویارویی ایالات متحده بوده است (Peterson, 2002).

انتقادات اروپایی‌ها نسبت به سخنان بوش به حدی رسید که خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مجبور شد طرفین را به آرامش دعوت کند. با وجود اینکه در میانه‌های سال ۲۰۰۲، موضوع هسته‌ای ایران به یک مسئله چالشی مهم در محافل بین‌المللی تبدیل شد، اتحادیه اروپا به «گفت‌وگوهای فراگیر» پایبند ماند و در مورد برنامه هسته‌ای نیز با اتخاذ رهیافتی واحد، با فشارها و تلاش‌های امریکا برای اقدام سخت علیه ایران مخالفت کرد (Goldthau, 2008). به‌دنبال توافق پاریس میان ایران و سه کشور موسوم به تروئیکای اتحادیه اروپا (نوامبر ۲۰۰۴)، کمیسیون اروپا مذاکرات خود با ایران بر سر موافقت‌نامه همکاری و تجارت<sup>(۱)</sup> را در ژانویه ۲۰۰۵ از سر گرفت. همچنین موازی با این مذاکرات، گفت‌وگوهای سیاسی و ضدتروریسم نیز بین طرفین در جریان بود. در همان ایام، فررو والدنر،<sup>۱</sup> کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا، درباره اهمیت این مذاکرات گفت: «از سرگیری این مذاکرات نشانه روشنی از تمایل ما برای کار با ایران است. این مذاکرات قسمت مهمی از یک بسته گسترده‌تر است و تا زمانی که جامعه بین‌المللی بتواند مطمئن باشد که برنامه هسته‌ای ایران در حال توسعه برای مقاصد نظامی نیست، ایران می‌تواند در مورد رابطه‌ای نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا، نگاه رو به جلویی داشته باشد» (European Union Delegation to the United Nations, 11/1/2005). با مطرح شدن ایران به‌عنوان عضوی از محور شرارت از سوی دولت نومحافظه‌کار امریکا، اعتبار سیاست تنش‌زدایی دولت اصلاحات شدیداً از طرف رقبای داخلی زیر سؤال رفت

و در نتیجه روند تعامل و گسترش مناسبات میان ایران و اروپایی‌ها نیز با مشکل مواجه شد.

ناتوانی اروپایی‌ها در به نتیجه رساندن مذاکرات و برآوردن وعده‌های خود به ایران در طول مذاکرات، به دلیل کارشکنی‌های امریکایی‌ها که تمایلی به موفقیت مذاکرات نداشتند، به همراه تغییر دولت در ایران شرایط را پیچیده‌تر کرد (محمدجواد ظریف در مصاحبه با سالنامه اعتماد، اسفند ۱۳۹۴). با تغییر دولت در ایران، رویکرد و سیاست هسته‌ای ایران دچار یک تحول و دگرگونی اساسی شد. گفتمان جدید حاکم بر دولت در ایران، ضمن ملی کردن و تبدیل بحث هسته‌ای به یک شاخص هویت ملی، مقاومت و ایستادگی در برابر فشارهای بیرونی در مورد برنامه هسته‌ای را مبنای کار خود قرارداد. در چنین شرایطی، اتحادیه اروپا که از یک طرف تحت فشار واشینگتن و از طرف دیگر در تعامل با ایران به بن‌بست دیپلماتیک رسیده بود، میانجیگری میان واشینگتن-تهران را رها نمود و این بار نقش میانجی را میان واشینگتن از یک سو، و پکن و مسکو از سوی دیگر، به منظور ایجاد ائتلافی از قدرت‌های بزرگ برای فشار بر ایران، برعهده گرفت. تروئیکای این اتحادیه (بریتانیا، فرانسه و آلمان) موفق شدند برای اولین بار روس‌ها و چینی‌ها را راضی کنند تا علیه قطعنامه شورای حکام مبتنی بر عدم رعایت قوانین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط ایران، رأی منفی ندهند (Sauer, 2006: 11).

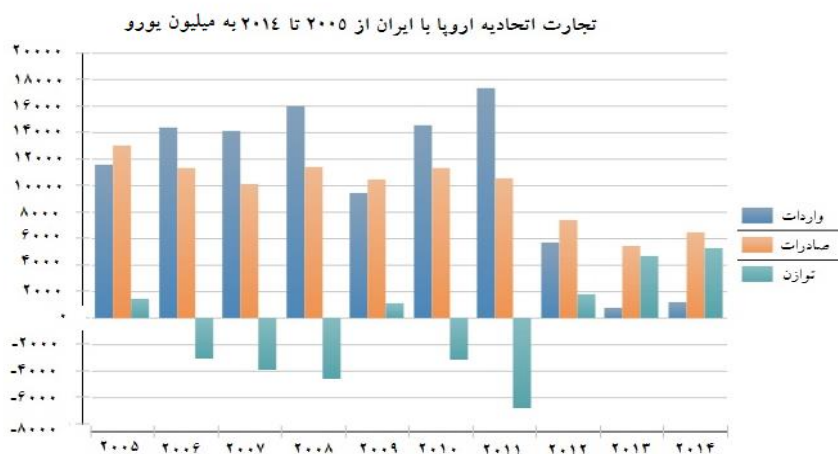
رویکرد سیاست خارجی دولت جدید ایران و اقدامات دولت امریکا، موجب شد تا به مرور زمان روابط دیپلماتیک میان ایران و اتحادیه اروپا به سردی گراید؛ به طوری که حتی وقتی بخشی از حقانیت ایران در سال ۲۰۰۷ با برآورد اطلاعات ملی امریکا متشکل از چند سازمان اطلاعاتی - که طی گزارشی بیان کرد که ایران از سال ۲۰۰۳ برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را رها کرده است - ثابت شد (NIE Report, November 2007)، باز هم اتحادیه اروپا حاضر به پذیرش حقوق ایران و تمایل به از سرگیری روابط بهتر با این کشور نشد. خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی این اتحادیه بعد از گزارش مذکور اعلام کرد که اتحادیه اروپا همچنان باید رهیافت دوگانه گفت‌وگو-فشار را در برابر ایران ادامه دهد (EUCE, 2008). با وجود این، هنوز هم روابط اقتصادی و تجاری ایران و اتحادیه اروپا همچنان در سطح بالایی

باقی مانده بود. ارزش صادرات اتحادیه اروپا به ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹ به‌طور میانگین سالانه ۱۴/۸۷ میلیارد دلار و ارزش صادرات ایران به کشورهای عضو این اتحادیه در همین دوره زمانی به‌طور میانگین سالانه ۱۳/۷۳ میلیارد دلار بوده است (Kamel, 2015: 128).

در ۶ اکتبر ۲۰۰۹، جیمز اشتاینبرگ، معاون وقت وزیر خارجه امریکا، در توضیحات خود در مقابل مجلس سنا گفت: «سه سال پیش ایالات متحده امریکا در اعمال فشار بر ایران عملاً تنها بود، ولی هم‌اکنون شمار فزاینده‌ای از کشورها در نگرانی‌های ما از سیاست‌های منفی ایران سهیم شده‌اند و تمایل دارند به استراتژی دوگانه ما [هویج و چماق] بپیوندند» (Steinberg, 2009). این واقعیت تلخ و غیرقابل انکاری بود. اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی بخش مهمی از آنچه اشتاینبرگ «شمار فزاینده‌ای از کشورها» خواند، بودند. در واقع از این زمان به بعد، اروپایی‌ها رسماً به سمت تقابل با ایران تغییر جهت دادند. از سال ۲۰۱۱ این رویکرد جدید اروپایی‌ها نمود روشن‌تری به‌خود گرفت. سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه در تاریخ ۳۰ آگوست ۲۰۱۱، در نشست سالانه با سفرای فرانسه صریحاً از احتمال یک حمله پیشگیرانه<sup>۱</sup> به تأسیسات هسته‌ای ایران سخن گفت. وی همچنین در نامه‌ای به تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، به رئیس‌جمهور امریکا و سران چند کشور دیگر (آلمان، بریتانیا، کانادا، ژاپن و اعضای دیگر اتحادیه اروپا)، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی برای صلح خواند و خواستار تحریم‌های شدیدتر علیه تهران شد. وی مدعی شد که «در این زمان باید تحریم‌هایی با شدت بی‌سابقه وضع کنیم، تا ایران را متقاعد به مذاکره نماییم» (Fouquet, Nov 21, 2011). نکته جالب در این بین این است که فرانسه به همراه آلمان، محور اروپای قدیم و منتقد سیاست‌های تهاجمی واشینگتن و آن‌گونه که رامسفلد وزیر دفاع سابق امریکا زمانی گفته بود، «دو مشکل» در برابر سیاست‌های تهاجمی امریکا هستند (BBC News, 23 January, 2003).

تحریم‌های گسترده اتحادیه اروپا علیه ایران، زمزمه‌هایی در مورد امکان مشارکت بریتانیا در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران (Hopkins, November 2, 2011)،

تصویب طرح کاهش روابط با بریتانیا در مجلس شورای اسلامی، حمله عده‌ای به سفارت این کشور در تهران، واکنش‌های شدید اتحادیه اروپا به این اقدام و تحریم‌هایی که اعضای آن متعاقباً علیه ایران اعمال کردند، حاکی از این واقعیت است که روابط ایران و اتحادیه اروپا به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۳۷۶ به این سو رسیده بود. به طور کلی، مجموع این حوادث و اتفاقات باعث شد تا حتی کشورهای مانند ایتالیا، اسپانیا، یونان و هلند که در ابتدا از قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران حمایت نمی‌کردند و نسبت به آنها دیدگاهی انتقادی داشتند (Sauer, 2006: 14)، به سیاست فشار و دیپلماسی اجبار علیه تهران تن بدهند. اتحادیه اروپا با وضع تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران، از رتبه اول در تجارت با کشورمان به رتبه ششم رسید. در فاصله سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، واردات اتحادیه اروپا از ایران به میزان ۸۶ درصد و صادرات کشورهای این اتحادیه به ایران ۲۶ درصد کاهش پیدا کرد (European Commission, Retrieved November 2015). نمودار زیر کاهش شدید حجم تجارت میان ایران و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۲، یعنی بعد از وضع و اجرای تحریم‌های یک‌جانبه این اتحادیه علیه کشورمان را به خوبی نشان می‌دهد (European Commission, October 2015).



Source: European Commission, October 2015

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان گفت در مجموع روابط ایران و اتحادیه اروپا از همان اوایل انقلاب تاکنون، عمدتاً متأثر از نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با

نظام بین‌الملل و غرب، به‌ویژه اروپا و انتظارات و خواسته‌های آن، از یکسو و نیز رویکرد و برخورد امریکا نسبت به تهران از سوی دیگر بوده است. در جاهایی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی، اقدام به تنش‌زدایی در روابط ایران با جهان بیرون و به‌ویژه غرب کرده و تمایل به گفت‌وگوی متقابل میان تهران و اروپایی‌ها بر سر مسائل مورد اختلاف وجود داشته است، اروپایی‌ها تلاش نموده‌اند روابط بهتری با این کشور برقرار نمایند و بالعکس، در زمان‌هایی که سیاست‌های جمهوری اسلامی کمتر متمایل به تعامل با نظام بین‌الملل و گفت‌وگو با اروپایی‌ها بر سر مسائل مورد علاقه و اختلافات فی‌مابین بوده، اروپایی‌ها به سمت کاهش روابط و حتی تقابل با کشورمان روی آورده‌اند. رویکرد و برخورد امریکا نسبت به جمهوری اسلامی، با توجه به نوع روابط اتحادیه اروپا و امریکا نیز نقش بسیار مهمی در روابط و مناسبات ایران و اتحادیه اروپا ایفا کرده است. مسئله مهم دیگری که در الگوی روابط ایران و اتحادیه اروپا قابل توجه است، نوسانات در روابط سیاسی و ثبات نسبی در مناسبات اقتصادی و تجاری در بیشتر مواقع است. البته اقدام اروپایی‌ها در اعمال تحریم‌های یکجانبه شدید علیه ایران از ۲۰۱۱ به بعد، مثال نقضی در این راستاست.

این مورد نشان می‌دهد که در نظر اتحادیه اروپا، تمایز و تفکیک روابط تجاری و اقتصادی با ایران از مسائل سیاسی، حد و مرز خاصی دارد و این درس بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در ادامه ضمن تشریح عوامل تاثیرگذار بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، به چشم‌انداز پیش‌روی این روابط و سناریوهای قابل طرح در این راستا، به‌ویژه در شرایط پس از توافق جامع هسته‌ای، پرداخته می‌شود.

## ۲. عوامل تاثیرگذار

نوع روابط اتحادیه اروپا و امریکا، امنیت و ثبات خاورمیانه، برآوردهای سرویس‌های جاسوسی کشورهای اروپایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و جهت‌گیری‌ها و نحوه تعامل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل و غرب به‌ویژه اروپا، چهار عامل تاثیرگذار بر رویکرد اروپایی‌ها در رابطه



با مسئله هسته‌ای ایران است که در این میان، دو عامل رابطه اتحادیه اروپا و امریکا و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مهمتری ایفا کرده‌اند.

**الف) روابط اتحادیه اروپا و امریکا.** پیوندهای میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بسیار قوی است. در این میان، روابط استراتژیک و اقتصادی آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است و بر سیاست‌های این دو بازیگر در مسائل مختلف جهانی تاثیر غیرقابل انکاری دارد.

ضعف اتحادیه اروپایی در یکپارچگی و عدم تمایل به صرف هزینه‌های نظامی زیاد از سوی اعضای این اتحادیه، باعث وابستگی امنیتی آن به امریکا شده است. بنا به یک تفسیر، اتحادیه اروپا تنها دارای سبدی از هوپج و فاقد چماق‌های قوی است (Algieri, 2007: 114). برآوردها حاکی از آن است که حدود ۸۰ هزار نیروی امریکایی مهمان اروپا هستند و وظیفه تأمین امنیت این قاره را برعهده دارند (Korb & Haffman, May 2012). همچنین طبق آمار ارائه شده، حداکثر ۴۸۰ (Kristensen, 2005: 9) و حداقل ۲۰۰ (Sauer & Van der Zwaan, 2011) سلاح هسته‌ای تاکتیکی متعلق به ایالات متحده امریکا در خاک اروپا مستقر است. طبق ارزیابی‌ها، در سال ۲۰۰۰ سهم امریکایی‌ها از کل هزینه‌های دفاعی ناتو ۵۰ درصد بوده است (Ashdown, November 2011)، ولی این میزان در سال ۲۰۱۵ حدود ۷۵ درصد برآورد شده است (The Military Balance, 2016: 19, NATO, 28 January 2016). در چنین شرایطی می‌توان گفت که اروپایی‌ها برای تأمین امنیت و منافع خود، بر اسب ناتو سوار هستند. برخلاف برخی دیدگاه‌ها، به هیچ‌وجه سواری این اسب، مجانی نیست. قاعده این است که اگر اروپایی‌ها می‌خواهند پشت به زین این اسب بمانند، باید از نظم مورد نظر واشینگتن پیروی کنند. در غیر این صورت، باید پیاده شوند؛ یعنی پیروی<sup>۱</sup> در برابر سواری مجانی<sup>۲</sup>، این یک قانون بسیار ساده در روابط بین‌الملل است. این موضوع را رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق امریکا، به‌وضوح در نشست ژوئن ۲۰۱۱ ناتو در بروکسل به اعضای این سازمان اعلام نمود (Morgan, June 10, 2011).

1. bandwagon

2. free ride

رئیس‌جمهور امریکا نیز در مصاحبه اخیرش با مجله آتلانتیک، به صراحت از تمایل متحدان اروپایی امریکا در ناتو به سواری مجانی گرفتن از امریکا بشدت انتقاد کرده و از آنها خواسته تا سهم منصفانه خود را در هزینه‌های نظامی پرداخت کنند (Goldberg, April 2016). به هر حال، مسئله هسته‌ای ایران از شمول قاعده «پیروی در برابر سواری مجانی» خارج نیست، یعنی اگر اتحادیه اروپایی بخواهد راهی مستقل از واشینگتن در پیش بگیرد، باید هزینه آن را نیز بپردازد. باید قید قسمتی از سرمایه‌گذاری‌های خود در حوزه‌های دیگر را بزند تا بتواند امنیت منافع خود را تضمین کند. این کار شدنی است، اما فقدان اراده و اختلاف سطح توسعه‌یافتگی در میان اعضای این اتحادیه مانع راه است. طبق آمار موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، در سال ۲۰۱۵ هزینه‌های نظامی اعضای اروپایی ناتو برابر با ۱۵/۴ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان بوده که بیش از ۵۵ درصد از این میزان نیز سهم هزینه‌های نظامی سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان بوده است. همچنین جز چهار کشور بریتانیا، یونان، لهستان و استونی، هیچ‌کدام از اعضای اروپایی ناتو در ۲۰۱۵ به قاعده صرف هزینه‌ای معادل حداقل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود در حوزه نظامی و دفاعی پایبند نبوده‌اند (The Military Balance, 2016: 19-20-62). این اختلاف سطح که ناشی از فقدان اراده در صرف هزینه‌های نظامی بالا و نیز اختلاف سطح توسعه‌یافتگی در میان اعضای اتحادیه اروپایی است، باعث می‌شود تا بخش مهمی از اروپا به‌ویژه اروپای شرقی برای تأمین امنیت خود به آنسوی آتلانتیک نظر داشته باشد. همین موضوع می‌تواند چرایی انشقاق و اختلاف در میان اروپایی‌ها در رابطه با جنگ عراق را نیز تبیین کند.

اینکه چرا پیش‌بینی والتز در مورد ناتو مبنی بر اینکه «سال‌های ناتو و نه روزهایش شمرده می‌شود» (Waltz, 1993: 76) بعد از حدود بیست سال به‌وقوع نپیوسته نیز در همین چهارچوب قابل درک است. علاوه بر بحث اختلاف سطح توسعه‌یافتگی، موضوع دیگر این است که قدرت‌های اروپایی به یکدیگر اطمینان کامل ندارند. به نقل از استفان والت، زمانی یک دیپلمات اروپایی گفته بود: «ما می‌توانیم رهبری امریکا را بپذیریم، اما رهبری یکی از خودمان را خیر» (Walt, 2002: 137). با این وضعیت، نمی‌توان انکار کرد که هرگونه اقدامی از سوی اتحادیه اروپا

در قبال برنامه هسته‌ای ایران، باید از کانال اجماعی بروکسل-واشینگتن بگذرد. علاوه بر بحث وابستگی امنیتی اروپا به آمریکا، به نظر می‌رسد مردمان دوطرف آتلانتیک نیز به دلیل تشابهات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که با یکدیگر دارند، برداشت‌شان نسبت به تهدیدات امنیتی بسیار نزدیک به هم است. نظرسنجی موسسه پیو در سال ۲۰۰۹، این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد.

#### تهدیدات بین‌المللی

تهدیدات عمده برای کشورهای زیر:	ایران هسته‌ای	افغانستان در کنترل طالبان	پاکستان در کنترل بنیادگراها
آمریکا	۸۲	۷۶	۶۴
اسپانیا	۸۱	۶۴	۵۹
آلمان	۷۹	۶۵	۵۷
ایتالیا	۷۸	۷۲	۶۸
فرانسه	۷۴	۶۶	۶۷
بریتانیا	۶۸	۶۰	۶۵
چک	۶۹	۴۵	۴۲
لهستان	۶۵	۴۹	۴۶
بلغارستان	۶۳	۴۷	۴۲
لیتوانی	۶۲	۳۵	۳۲
اسلواکی	۵۲	۳۰	۳۵
اتریش	۴۶	۲۷	۳۶
روسیه	۴۱	۳۲	۲۷
اکراین	۲۷	۱۳	۱۱
میانگین	۶۶	۴۸	۴۴

PewResearchCenter, November 18, 2009

مناسبات میان اتحادیه اروپا و آمریکا محدود به مسائل سیاسی-نظامی نیست. یک رابطه پیچیده و چندلایه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی و فرهنگی میان بروکسل-واشینگتن وجود دارد. در زمینه اقتصادی، اتحادیه اروپا شریک اول تجاری امریکاست. سهم اتحادیه اروپا از کل تجارت خارجی حدود ۵ تریلیون دلاری واشینگتن در سال ۲۰۱۵، حدود ۷۰۰ میلیارد دلار، یعنی معادل بیش از ۱۵ درصد آن، بوده است (U.S. Department of Commerce, 2016). این در حالی است که در سال ۲۰۱۱، یعنی زمانی که هنوز تحریم‌های شدید اتحادیه اروپا علیه ایران اعمال نشده بود، ایران با سهمی کمتر از یک درصد (حدود هشت دهم درصد)، دارای رتبه ۲۷ در تجارت خارجی اروپا بوده است (European Commission, 2012). همان‌گونه که عنوان شد، در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ واردات اتحادیه اروپا از ایران ۸۶ درصد و صادرات این اتحادیه به ایران ۲۶ درصد کاهش یافت و بنابراین باز هم از سهم ایران در تجارت خارجی اتحادیه اروپا کاسته شد؛ به‌طوری که در



۲۰۱۴ به دو دهم درصد رسید (European Commission, 20/10/2015).

صادرات و واردات امریکا از چهار شریک تجاری اصلی خود در سال ۲۰۱۵

شریک/تجارت	صادرات	واردات
اتحادیه اروپا (۲۸ کشور)	۲۷۲	۴۲۶
چین	۱۱۶	۴۸۱
کانادا	۲۸۰	۲۹۵
مکزیک	۲۳۶	۲۹۴

Source: U.S. Department of Commerce, 2016

از این مبحث می‌توان نتیجه گرفت که در مورد مناقشه هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا به هیچ‌وجه نمی‌تواند و منطقی نمی‌بیند که رهیافتی مستقل از واشینگتن اتخاذ نماید. تحریم نفتی ایران در سال ۲۰۱۲، به‌رغم مشکلات اقتصادی که برخی از اعضای اتحادیه اروپا مانند یونان داشتند، تأییدی بر این مطلب است. کشوری مثل یونان، نفت ایران را در قالب قراردادهای تحویل و به‌صورت اعتباری می‌خرید و می‌توانست بهای آن را با تأخیر پرداخت کند (Heinze, Jul 2, 2012). اما با وجود همه مشکلات اقتصادی که داشت، به سیاست جمعی فشار بر تهران تن داد. این موضوع نشان دهنده اهمیت و نقش مناسبات فرآتلانتیکی در سیاست‌های اعضای اتحادیه اروپا است.

**ب) امنیت منطقه خاورمیانه و ثبات آن.** نگاه اروپا به منطقه خاورمیانه و زیرسیستم حیاتی آن یعنی خلیج فارس، بیشتر اقتصادی است. در واقع، اروپا نیاز به انرژی این منطقه دارد. در سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا با تولید ۱/۶ درصد نفت جهانی و مصرف ۱۴/۱ درصد نفت تولید شده در جهان، بعد از امریکا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و با سهمی معادل ۲۲/۲ درصد از کل واردات نفت جهانی، بزرگ‌ترین واردکننده این منبع بوده است. این اتحادیه همچنین در سال ۲۰۱۴، سهمی ۳/۸ درصدی در تولید و ۱۱/۴ درصدی در مصرف گاز جهانی داشته است (BP Statistical Review, June 2015). براساس ارزیابی‌های کمیسیون اروپا، اتحادیه اروپا ۵۳ درصد از کل انرژی مصرفی‌اش (شامل ۹۰ درصد نفت، ۶۶ درصد گاز، ۴۲ درصد زغال‌سنگ و دیگر سوخت‌های جامد و نیز ۴۰ درصد اورانیوم و دیگر سوخت‌های هسته‌ای) را وارد می‌کند، که معادل ۲۰ درصد کل وارداتش است (European

Commission, Retrieved April 2016). اعضای سازمان اوپک ۴۰ درصد نفت وارداتی اروپا را تأمین می‌کنند. سهم سه کشور خاورمیانه‌ای عربستان سعودی، عراق و لیبی از واردات نفت اتحادیه اروپا در ۲۰۱۴، حدود ۱۷ درصد بوده است (به ترتیب ۸/۹، ۴/۶ و ۳/۴). لیبی در ۲۰۱۰ و قبل از شروع ناآرامی‌ها در این کشور، ۱۱ درصد نفت وارداتی اتحادیه اروپا را تأمین می‌کرد و ایران نیز در ۲۰۱۱ و قبل از اعمال تحریم‌های اروپا علیه این کشور در بحث هسته‌ای، سهمی ۶ درصدی در واردات نفتی این اتحادیه داشت (Kiernan, 2015).

فارغ از اهمیت این میزان واردات، آنچه بر ارزش انرژی خاورمیانه در نگاه اروپایی‌ها می‌افزاید، میزان انرژی این منطقه و پیش‌بینی‌هایی است که در مورد آینده ذخایر انرژی وجود دارد. طبق ارزیابی بریتیش پترولیوم، منطقه خاورمیانه به ترتیب دارای ۴۷/۷ و ۴۲/۷ درصد ذخایر نفت و گاز جهانی است (BP Statistical Review, June 2015). همچنین سهم این منطقه از تولید نفت و گاز جهانی در سال ۲۰۱۱، به ترتیب ۳۱/۷ و ۱۷/۳ درصد بوده است (BP Statistical Review, June 2015). با این خصوصیات، خاورمیانه به سه دلیل برای اروپا اهمیت اساسی دارد: (۱) طبق برآوردها، کل ذخایر اثبات شده نفت اوراسیا که تأمین‌کننده عمده نفت اروپاست، برابر با حدود ۸ درصد ذخایر نفت جهانی است. همچنین افریقا به عنوان سومین تأمین‌کننده بزرگ نفت اروپا تنها دارای ۷/۶ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهانی است (BP Statistical Review, June 2015). در چنین شرایطی، اروپایی‌ها باید به آینده انرژی باندیشند، که البته این موضوع را مدنظر دارند (EU Green Paper, 2001: 23)؛ آینده‌ای که بنا بر پیش‌بینی‌ها، خاورمیانه در آن نقشی اساسی ایفا خواهد کرد؛ (۲) وابستگی بیش از حد و شکننده اتحادیه اروپا به انرژی روسیه، اهمیت انرژی خاورمیانه را برای اروپایی‌ها چندین برابر می‌کند. روس‌ها در چند سال اخیر نشان داده‌اند که در زمینه انرژی شریک مطمئنی برای اروپا نیستند. اروپایی‌ها به‌خوبی آگاه هستند که مقامات کرملین هیچ‌گاه در استفاده از انرژی به عنوان ابزاری سیاسی برای تحت فشار قراردادن اروپا تردید نکرده و نمی‌کند؛ و (۳) براساس ارزیابی‌ها، هزینه استخراج یک بشکه نفت در کشورهای خاورمیانه (از جمله عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات) به‌طور میانگین ۱۰ دلار است. این در حالی است که در امریکا این

میزان ۳۶، بریتانیا ۴۲، برزیل ۴۹، نروژ ۳۶، آنگولا ۳۵، نیجریه ۳۱، چین و مکزیک ۲۹، قزاقستان ۲۷، ونزوئلا ۲۳ و روسیه ۱۷ دلار است ( Petroff and Yellin, Nov. 23, 2015). این یعنی اینکه تولید نفت در خاورمیانه کم‌هزینه‌تر و به‌صرفه‌تر است و برای اروپایی که وابستگی بالایی به نفت دارد، این مسئله مهمی است.

با این تفاسیر، می‌توان گفت که اروپایی‌ها عمدتاً «رویکرد اقتصادی» نسبت به خاورمیانه و خلیج فارس دارند و به همین جهت پیشبرد اهداف خود در این منطقه را منوط به «ثبات و امنیت» آن می‌دانند. در همین نقطه است که هدف آنها در خاورمیانه با اهداف امریکا یکسان می‌شود. امریکایی‌ها نیز نسبت به خلیج فارس «رویکردی سیاسی» را در دستورکار خویش دارند که تحقق اهداف آن، مستلزم وجود «ثبات و امنیت» در این منطقه است (Brunelli, 2011). البته در سال‌های اخیر و به ویژه با روانه شدن سیل مهاجران و پناهندگان از کشورهای دچار بحران در خاورمیانه (به‌خصوص سوریه) به اروپا و شکل‌گیری بحران مهاجران که باعث افزایش اختلافات میان اعضای اتحادیه اروپا نیز شد و همچنین سازماندهی حملاتی تروریستی در فرانسه و بلژیک توسط یا ملهم از گروه تروریستی-تکفیری داعش، اروپایی‌ها به پیامدهای سیاسی و امنیتی جدی و خطرناک تحولات خاورمیانه برای خود واقف‌تر گشته‌اند. چنین شرایطی باعث شده تا دیدگاه و دستورکارهای اروپایی‌ها در مورد خاورمیانه به امریکا نزدیک‌تر شود و در نتیجه همکاری‌ها میان آنها در این مورد نیز افزایش یابد. این مسئله بر نگاه و رویکرد اتحادیه اروپا در برخورد با ایران نیز تاثیر می‌گذارد. در واقع در این چهارچوب اروپا ناچار است سیاستی نزدیک به امریکا دنبال کند.

البته قاعدتاً اروپایی‌ها برای برآوردن اهداف و منافع خود باید با ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین کشورهای خاورمیانه نیز همکاری و همفکری کنند (چنانکه این اتفاق بعد از برجام نیز افتاد و اروپایی‌ها تمایل زیادی به همکاری با ایران نشان دادند)، اما باید دقت کرد که اروپایی‌ها هیچ‌گاه با رویگردانی از ایالات متحده و نادیده گرفتن رویکرد و سیاست‌های آن در مورد ایران، با تهران تعامل نخواهد کرد و در بحث هسته‌ای و چشم‌انداز پیش‌روی روابط تهران با اروپایی‌ها، باید این نکته را به‌طور جدی در نظر گرفت.

روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی نزدیک اروپایی‌ها با اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس نیز بر رویکرد آنها در مورد ایران به طور عام و مسئله هسته‌ای این کشور به طور خاص، تاثیر جدی و غیرقابل انکاری دارد. در سال ۲۰۱۴، حجم تجارت اتحادیه اروپا و عربستان سعودی بیش از ۶۳ میلیارد یورو بوده (شامل بیش از ۲۸ میلیارد یورو سهم صادرات عربستان به کشورهای اتحادیه اروپا و بیش از ۳۵ میلیارد یورو سهم صادرات این اتحادیه به عربستان) و در مجموع ریاض با سهمی حدود ۲ درصدی از کل تجارت خارجی اتحادیه اروپا، دوازدهمین شریک وارداتی و صادراتی این اتحادیه بوده است (European Commission, 20/10/2015). همچنین در این سال ارزش تجارت خارجی اتحادیه اروپا و اسرائیل برابر با بیش از ۳۰ میلیارد یورو بوده (شامل بیش از ۱۳ میلیارد یورو صادرات اسرائیل به کشورهای اتحادیه اروپا و ۱۷ میلیارد یورو سهم صادرات این اتحادیه به اسرائیل) و از این نظر اسرائیل شریک بیست و سوم صادراتی و بیست و هفتم وارداتی اتحادیه اروپا بوده است (European Commission, 20/10/2015). امارات متحده نیز جایگاه بسیار مهمی در تجارت خارجی اروپایی‌ها دارد. ارزش تجارت خارجی اتحادیه اروپا با این کشور در سال ۲۰۱۴ بیش از ۵۰ میلیارد یورو بوده (حدود ۴۳ میلیارد یورو صادرات اروپا به امارات و بیش از ۸ میلیارد دلار صادرات امارات به اتحادیه اروپا) و رتبه این کشور در صادرات و واردات اتحادیه اروپا به ترتیب ۹ و ۳۸ بوده است (European Commission, 20/10/2015). ارزش تجارت خارجی اتحادیه اروپا با قطر و کویت نیز به ترتیب بیش از ۱۵ و ۱۰ میلیارد یورو بوده است. اینها همه در حالی است که ارزش کل تجارت خارجی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴، معادل ۷/۵ میلیارد یورو بوده است (European Commission, 20/10/2015). در چنین شرایطی، طبیعی است که اروپایی‌ها در مناسبات خود با ایران، انتظارات و ملاحظات متحدان و شرکای منطقه‌ای خود را به طور جدی در نظر بگیرند.

یکی از دلایل اصلی سخت‌گیری‌های فرانسوی‌ها در مذاکرات هسته‌ای منتهی به توافق جامع، همین مسئله بوده است. فرانسه در اواسط سال ۲۰۱۵، در یک مورد برای ایجاد دو رأکتور هسته‌ای در عربستان سعودی به ارزش ۱۲/۷ میلیارد دلار، با

این کشور به توافق رسید (Sputnik news, 2015). یا در مورد دیگری، طی سفر رئیس‌جمهور فرانسه به قطر در اردیبهشت ۱۳۹۴، قراردادی به ارزش بیش از ۷ میلیارد دلار برای فروش ۲۴ جنگنده رافائل فرانسوی به قطر، میان رهبران دو کشور امضاء شد (Reuters, April 2015). افزون بر مسائل اقتصادی، روابط سیاسی و امنیتی سطح بالایی میان اروپایی‌ها، به‌ویژه بریتانیا، فرانسه و آلمان، با برخی از رقبا و مخالفان منطقه‌ای ایران وجود دارد که آنها در برخورد خود با تهران این مسئله را مدنظر دارند. درخواست قائم مقام صدراعظم و وزیر اقتصاد آلمان از ایران برای به رسمیت شناختن اسرائیل به‌عنوان شرطی برای داشتن روابط بلندمدت اقتصادی خوب با آلمان (به‌هنگام سفر تیرماه ۱۳۹۴ خود به تهران) و اختلافات میان صدراعظم آلمان و معاونش در مورد دعوت از رئیس‌جمهوری ایران، آقای روحانی، برای سفر به کشورشان به دلیل آنچه گفته می‌شود صدراعظم آلمان «تهدید اسرائیل توسط ایران و بی‌ثبات‌سازی لبنان با حمایت از حزب‌الله» خوانده است، نمونه‌های تازه‌ای در در این مورد به حساب می‌آیند.

**ج) برآوردهای برخی کشورهای اروپایی درباره هسته‌ای ایران.** عامل مهم دیگری که در راستای افزایش فشارهای اروپا بر ایران نقش داشته، برآورد سرویس‌های جاسوسی برخی از کشورهای اروپایی از جمله آلمان در مورد قصد ایران برای تولید سلاح هسته‌ای است. البته اروپایی‌ها از سال ۲۰۰۳ نیز به این نتیجه رسیده بودند که ایران در تعقیب سلاح‌های هسته‌ای است. برای مثال نماینده فرانسه در یکی از جلسات گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۳، با ارائه مطلبی تلاش کرد تا ضمن نشان دادن پیشرفت هسته‌ای ایران، اثبات نماید که ممکن است ایران در مدت زمان اندکی به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند (NSG, 2003). اما آنچه به نظر می‌رسد نقش مهمی در تشدید رویکرد فشار اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران داشته، اطلاعاتی است که سرویس جاسوسی آلمان (BND) در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مخصوصاً از طریق دستگیری فردی بنام محسن ونکی، در مورد برنامه هسته‌ای ایران به‌دست آورده است. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷، برآورد سازمان‌های

اطلاعاتی امریکا این بود که برنامه ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران از سال ۲۰۰۳ متوقف شده است.

گفته می‌شود دستگیری محسن ونکی (شخصی که صاحب شرکت تجاری کوچکی بوده و گفته می‌شود ابزارهایی با کاربرد دوگانه مرتبط با برنامه هسته‌ای به شرکت‌های ایرانی مقیم دوبی می‌فروخته است) و اسناد و اطلاعات بدست آمده از سوی سرویس جاسوسی آلمان در مورد ابزارهایی که این شخص به شرکت‌های ایرانی می‌فروخته، به نوعی ارزیابی‌های سازمان‌های اطلاعاتی امریکا در مورد توقف طرح تولید سلاح هسته‌ای توسط ایران از سال ۲۰۰۳ را زیر سؤال برد (Schirra, 2009 & Albright and Walrond, 2009). مطمئناً اینگونه ارزیابی‌ها بر محاسبات اروپایی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران تاثیر داشته است.

### ۳. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جهت‌گیری سیاست خارجی و رفتار جمهوری اسلامی ایران نسبت به جهان و به‌ویژه غرب و همچنین نحوه تعامل تهران و اروپا بر سر مسائل مورد اختلاف مانند حقوق بشر، نقش مهمی در تعریف روابط و مناسبات اتحادیه اروپا با این کشور ایفا می‌کند. چنین قاعده‌ای حاصل تجربه روابط ایران و اتحادیه اروپا از اوایل انقلاب تاکنون است. در زمان‌هایی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انقلابی یا برخلاف قواعد و هنجارهای نظم بین‌المللی بوده، اروپایی‌ها با این کشور به مشکل خورده و روابط خود را با آن کاهش داده یا حتی در مواردی، وارد تقابل با آن شده‌اند. بحران گروگانگیری سفارت امریکا در اوایل انقلاب، فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام (ره)، اتهامات مربوط به ترور مخالفان در کشورهای اروپایی و افزایش تنش‌ها بر سر موضوع هسته‌ای در دولت‌های نهم و دهم ایران، از جمله مهمترین موارد و رویدادهایی هستند که در پی آنها، اروپایی‌ها اقدام به کاهش مناسبات خود با ایران یا فشار بر این کشور و تقابل با آن نموده‌اند. اما در مقابل، در زمان‌هایی که سیاست خارجی ایران به دنبال تنش‌زدایی با بیرون و بازی با قواعد و هنجارهای نظام بین‌الملل بوده و در راستای گفت‌وگو بر سر مسائل و اختلافات فی‌مابین ایران و اروپایی‌ها تلاش شده، مسئله کاملاً متفاوت بوده است. در چنین

زمان‌هایی، اروپایی‌ها تلاش کرده‌اند وارد تعامل با ایران شده و روابط خود را با این کشور بهبود بخشند.

«گفت‌وگوهای انتقادی» در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، «گفت‌وگوهای گسترده و فراگیر» در دوران دولت اصلاحات و «گفت‌وگوهای سطح بالا» در دولت یازدهم، نمونه‌های بارزی در این مورد محسوب می‌شوند. در هرکدام از این دوران‌ها، ایرانی‌ها و اروپایی‌ها به‌نحوی تلاش کرده‌اند با یکدیگر بر سر مسائل مورد اختلاف بحث کنند و ضمن بهبود مناسبات خود، سنگ بنای روابط پایداری در مناسبات فی‌مابین بنا نهند. اما در همه این موارد، به‌رغم برخی موفقیت‌های مقطعی، دستاوردهای پایداری حاصل نشده است. گفت‌وگوهای انتقادی به رأی دادگاه می‌کونوس خورد و به بن‌بست رسید. گفت‌وگوهای گسترده و فراگیر نیز به تنش هسته‌ای خورد و در حالی که در حال ورود به مراحل جدی و سرنوشت‌سازی بود، به ناگهان با دیوار بلندی از تنش و تقابل برخورد نمود و فروریخت. گفت‌وگوهای سطح بالا هم به‌رغم اینکه هنوز سرنوشت مشخصی پیدا نکرده و در واقع تازه شروع شده است، به نظر می‌رسد با موانع متعددی روبروست و در صورتی که بخواهد به‌شکل کنونی جلو برود، مطمئناً دستاورد قابل توجه و پایداری نخواهد داشت و صرفاً بهبودی مقطعی و گذرا در مناسبات ایران و اتحادیه اروپا خواهد بود.

#### ۴. چشم‌انداز روابط ایران و اتحادیه اروپا

داشتن یک رابطه خوب و پایدار با جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر گزینه دیگری در راستای منافع اعضای این اتحادیه است. سیل سفرهای دیپلمات‌های ارشد و تاجران و مدیران شرکت‌های اروپایی به ایران در فضای پس از توافق جامع هسته‌ای، در چنین چهارچوبی قابل درک است. شورای روابط خارجی اروپایی<sup>۱</sup> در جولای ۲۰۱۵، در گزارشی با عنوان «تعامل با ایران: یک دستورکار اروپایی»، ضمن پیشنهاد «تعامل سطح بالا»<sup>۲</sup> میان اروپا و ایران در مورد اهداف امنیت منطقه‌ای،

1. European Council on Foreign Relations

2. High-level engagement

عنوان می‌کند: «توافق جامع به تصمیم‌گیران آزادی از حصار نگاه هسته‌ای-محور<sup>۱</sup> به ایران و پررنگ نمودن حوزه‌هایی که در آن اروپا می‌تواند از تعامل با ایران منتفع شود، به‌ویژه در مورد امنیت منطقه را می‌دهد. برای ایجاد همکاری بیشتر در جهت ایجاد نظامی منطقه‌ای، اروپا باید از قرارگرفتن طرف درگیری‌ها در منطقه فاصله بگیرد و با در نظر گرفتن گزینه تعامل فعال با ایران، هر جایی که امنیت اروپا بهتر تأمین می‌شود، حداکثر انعطاف‌پذیری را در انتخاب خط‌مشی‌های خود داشته باشد» (Geranmayeh, 2015: 10).

اروپایی‌ها به دلایل مختلفی خواهان ثبات در خاورمیانه‌اند. این دلایل عبارتند از:

۱. استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی خاورمیانه و به‌ویژه منابع انرژی عظیم آن، نیازمند ثبات در این منطقه است؛
۲. افراد زیادی از سراسر اروپا با فرض جهاد، به گروه‌های تکفیری-تروریستی که هم‌اکنون خاورمیانه را به آشوب کشانده‌اند، پیوسته و بازگشت آنها می‌تواند تهدیدات جدی متوجه اروپا نماید؛
۳. هرج‌ومرج در خاورمیانه باعث روانه شدن سیل مهاجران و پناهندگان به اروپا شده و این مسئله تبدیل به بحرانی جدی برای قاره سبز شده است؛
۴. دو کشور سوریه و لیبی که در ضلع غربی و جنوبی دریای مدیترانه قرار دارند، در حال حاضر دچار بیشترین میزان هرج‌ومرج در خاورمیانه هستند و وضعیت تونس، مصر، لبنان و سرزمین‌های اشغالی به‌عنوان دیگر همسایگان حوزه غربی و جنوبی مدیترانه نیز چندان مساعد نیست. این برای همسایگان اروپایی مدیترانه تهدیدی جدی محسوب می‌شود؛
۵. ماهیت ایدئولوژیکی-تروریستی خشونت‌ها و درگیری‌های کنونی خاورمیانه، به‌گونه‌ای است که نه فقط این منطقه، بلکه کل جهان را تهدید می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد. اقدامات تروریستی این گروه در فرانسه (در دو مرحله)، امریکا (سن‌برناردینو کالیفرنیا)، اندونزی، بلژیک و بمب‌گذاری هواپیمای روسی (که در صحرای سینا مصر سقوط کرد)، مواردی در تأیید این موضوع محسوب می‌شوند.

در واقع اینها همه حاکی از آن است که تهدیدات ناشی از گروه‌های تکفیری منحصر به مکان خاصی نیست و می‌تواند ابعاد جهانی گسترده‌ای به‌خود بگیرد. در



مواجهه با این وضعیت، ایران به‌عنوان کشوری متنفذ، باثبات و قدرتمند در خاورمیانه، که در حال مبارزه با عوامل آشوب‌ساز در این منطقه است، برای اروپایی‌ها ارزش فراوانی دارد. همکاری‌ها و منافع اقتصادی خوبی که کشورهای اروپایی می‌توانند از داشتن رابطه‌ای خوب با تهران نصیب خود کنند را نیز نباید فراموش کرد. در چنین شرایطی، امکان افزایش همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی و سیاسی میان ایران و اروپا، به‌ویژه پس از اجرای توافق جامع، بالاست. با وجود این، مسائلی وجود دارد که نباید نادیده گرفته شوند. در گزارش شورای روابط خارجی اروپایی که در بالا به آن اشاره شد، آمده است: «بخش خصوصی اروپا در مورد توافقات تجاری بلندمدت با ایران به شدت محتاط خواهد بود. قبل از هر چیز، آنها خواهان دیدن گام‌های مثبت در اجرای توافق هسته‌ای و تضمین اینکه مکانیزم‌های برگشت‌پذیری تحریم‌ها توسط کنگره آمریکا یا رئیس‌جمهور بعدی مورد سوءاستفاده قرارنخواهد گرفت، هستند» (Geranmayeh, 2015: 5). مسئله دیگر این است که در اروپا و اتحادیه اروپا، نگاه یکسانی نسبت به ایران وجود ندارد. برای مثال، سیستم سیاسی فرانسه به طور اساسی با بنیان‌های جمهوری اسلامی مشکل دارد و به همین دلیل فرانسه در مورد عادی‌سازی روابط با ایران چندان مشتاق نیست. در حالی که آلمان و ایتالیا همکاری و رابطه مستقیمی با ایران در ارتباط با باثبات‌سازی افغانستان و دیگر موضوعات منطقه‌ای دارند.

همچنین برای برخی از کشورهای اروپایی مانند دانمارک، سوئد و هلند، وضعیت حقوق بشر در ایران مهم‌ترین فاکتور خواهد بود و این، چالش‌هایی واقعی برای تعامل با ایران ایجاد می‌کند. برخی از کشورهای اروپایی می‌ترسند اگر در تعامل با ایران به‌عنوان اولین دیده شوند، در روابطشان با دولت‌های خلیج فارس و تا اندازه کمتری اسرائیل، به‌طور خودکار تنبیه شوند. مانع مهم دیگری که وجود دارد و در گزارش شورای روابط خارجی اروپایی نیز به آن اشاره شده، عبارت است از اینکه «ساختارهای بروکراتیک و لجستیکی ضروری برای پیشبرد پروسه تعامل میان اروپا و ایران وجود ندارد... هر تعامل جدی‌ای در مورد موضوعات منطقه‌ای مستلزم یک ساختار سیاسی و رسمی است که به‌وسیله مقامات اروپایی ایجاد شده و از سوی سطوح بالا مورد حمایت قرارگیرد» (Geranmayeh, 2015: 7). البته برخی



قوانین اقتصادی داخلی ایران و همچنین وجود ناهماهنگی‌ها و اختلاف‌نظرهایی میان دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی در ایران در مورد نوع و میزان رابطه با اروپا نیز در این میان به‌عنوان مانع عمل می‌کنند. به‌نظر می‌رسد دیدگاه شورای روابط خارجی اروپایی مبنی بر اینکه «توافق جامع، گشایش‌های جدیدی برای تعامل با ایران ایجاد کرده، اما رسیدن به درجه‌ای از عادی‌سازی مانند آنچه در دوران گفت‌وگوهای جامع<sup>۱</sup> شاهد بودیم، هم زمان می‌برد و هم ابزارهای اعتمادسازی گسترده‌ای نیاز است؛ به‌ویژه که منطقه بسیار بیشتر از آن زمان گرفتار درگیری و آشفتگی است» (Geranmayeh, 2015: 8)، بیش از سناریوها و گزینه‌های دیگر به واقعیت نزدیک‌تر است. با وجود این، برای جمهوری اسلامی ایران سیاست منطقی این است که در جهت اعتمادسازی بیشتر در روابط خود با اروپایی‌ها و متقاعد نمودن آنها به همکاری در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی حرکت کند، چون: اولاً: گسترش روابط اقتصادی و دیپلماتیک با بیرون، به‌نوعی تضمین اجرای توافق جامع است و در این میان، به دلایل مختلف، اروپایی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. آقای دکتر ظریف نیز در جایی به همین مسئله اشاره‌ای داشته‌اند و در مورد رفت‌وآمدهای هیئت‌های اقتصادی به ایران عنوان کرده‌اند: «این روابط ضمانت توافق است» (خبرگزاری فارس، ۱۳ مرداد ۱۳۹۴). ثانیاً: ایران برای خارج نمودن اقتصاد خود از رکود چند سال گذشته و قراردادن آن در ریل پیشرفت و توسعه، حتماً به تکنولوژی و سرمایه‌گذاری اروپایی‌ها نیاز دارد. تجربه سال‌های گذشته به خوبی نشان می‌دهد که کاهش سطح مناسبات سیاسی و اقتصادی اروپا با ایران تا چه اندازه برای اقتصاد ایران مضر است.

در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ که اروپایی‌ها به شدت از سطح مناسبات خود با ایران کاستند، رشد اقتصادی ایران به ترتیب بیش از ۶ (سال ۲۰۱۲) و حدود ۲ درصد (سال ۲۰۱۳) منفی بوده است. در سال‌های بعد نیز این وضعیت ادامه داشته است. ثالثاً: در شرایط کنونی که ایران با وضعیت نامناسبی در منطقه روبروست و بی‌ثباتی‌های منطقه در حال ضربه زدن به منافع کشورمان است، می‌توان با همکاری

---

1. Comprehensive dialogue

قدرت‌های تاثیرگذار به راه‌حلی برای رفع این بی‌ثباتی‌ها و نابسامانی‌ها دست یافت. در این میان، کشورهای اتحادیه اروپا و به‌ویژه سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان به‌عنوان بازیگران تاثیرگذار جهانی و همچنین بانفوذ و ذینفع در مسائل خاورمیانه، می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. با توجه به وضعیت کنونی خاورمیانه و تهدیداتی که این وضعیت متوجه اروپایی‌ها می‌کند، به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تداوم فعالیت‌های مثبت خود در منطقه و افزایش تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی با اروپایی‌ها، آنها را متقاعد به همکاری با خود و در نتیجه، پیشبرد منافع خویش کند. به‌عنوان نکته آخر باید به این مسئله اشاره کرد که برون‌رفت از چرخه تعامل و تقابل در روابط ایران و اتحادیه اروپا، نیازمند اراده و تمایل دوطرف به ایجاد مناسباتی پایدار، و همچنین بهبود مناسبات یا کاهش شدت تنش‌ها در روابط ایران و امریکا است. در غیر این صورت، هرگونه بهبودی در روابط ایران و اروپایی‌ها، مقطعی بوده و نتایج قابل توجهی در بر نخواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

روابط ایران و اروپایی‌ها از زمان انقلاب تاکنون، بین گزینه‌های تعامل و تقابل در نوسان بوده است. در برخی زمان‌ها، مناسبات تهران و پایتخت‌های اروپایی، خوب (در دوران دولت‌های هفتم و هشتم ایران)، در مقطعی بد (اواخر دولت سازندگی و دوران دولت‌های نهم و دهم ایران) و در مواردی نیز چیزی میان خوب و بد (از اول انقلاب تا سال‌های پایانی دولت سازندگی) بوده است. در واقع جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در طول دوران پس از انقلاب، همواره در چرخه‌ای از تقابل و تعامل به سر برده‌اند و هیچ‌گاه در مناسبات خویش به ثبات و پایداری نرسیده‌اند. اینکه بعد از فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام (ره)، کشورهای اتحادیه اروپا به یکباره سفرای خود را از ایران فراخواندند یا در بحث هسته‌ای که روابط ایران و کشورهای اروپایی به شدت تنزل پیدا کرد و به‌ویژه در حوزه اقتصادی به پایین‌ترین سطح در دهه‌های گذشته رسید، نشان از عدم ثبات و پایداری در مناسبات ایران و اروپایی‌ها دارد. به‌نظر می‌رسد دو عامل در این راستا نقش مهمی داشته‌اند: یکی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام بین‌الملل و غرب و همچنین

نوع برخورد ایران و اروپایی‌ها با مسائل و اختلافات فی‌مابین و دیگری، میزان تنش‌ها میان ایران و امریکا. در دوره‌هایی که سیاست خارجی ایران، کمتر به هنجارها و قواعد نظم موجود توجه کرده و به گفت‌وگو و تعامل با اروپایی‌ها بر سر مسائل و اختلافات فی‌مابین کمتر توجه نشان داده است، اروپایی‌ها سطح روابط خود را با تهران کاهش داده‌اند و بالعکس، زمانی که ایران به تنش‌زدایی و تعامل سازنده و گسترده در سیاست خارجی تمایل نشان داده و با اروپایی‌ها بر سر اختلافات وارد بحث و گفت‌وگو شده، تمایل و اراده اروپایی‌ها برای گسترش روابط با کشورمان افزایش یافته است.

همچنین در زمان‌هایی که روابط ایران و امریکا متشنج بوده و واشینگتن سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را در مورد ایران به اجرا گذاشته، اروپایی‌ها به دلیل نوع رابطه‌ای که با امریکا دارند، این کشور را همراهی کرده‌اند. بحث هسته‌ای بارزترین مثال در این مورد است.

در مورد چشم‌انداز پیش‌روی روابط ایران و اتحادیه اروپا باید گفت که بدون یک رویکرد پایدار مبتنی بر تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بیرون و به‌ویژه غرب و در نبود گفت‌وگوهای جدی و مداوم میان ایرانی‌ها و اروپایی‌ها در مورد مسائل اختلافی مانند حقوق بشر و تروریسم، و همچنین در فقدان روابط کم‌تنش‌تر میان تهران و واشینگتن، نمی‌توان به بهبود پایدار و بلندمدت مناسبات میان تهران و پایتخت‌های اروپایی امید چندانی داشت. تمایل دولت یازدهم به تنش‌زدایی در سیاست خارجی و گسترش روابط با جهان براساس تعامل سازنده، شروع گفت‌وگوهای «سطح بالا» میان ایران و اتحادیه اروپا از بهمن ۱۳۹۴ (میان مجید تخت‌روانچی معاون اروپا و امریکای وزارت خارجه ایران و هلگا اشمیت معاون رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا) و علائم محسوسی از بهبودی در روابط ایران و امریکا (از جمله توافق برجام، تبادل چند زندانی دوطرفه، آزادی سربازان نیروی دریایی امریکا که در آب‌های سرزمینی ایران دستگیر شده بودند و موافقت امریکا با پرداخت ۱/۷ میلیارد دلار به ایران بابت عدم اجرای تعهدات خود مبنی بر فروش تسلیحات به ایران در دهه ۱۹۷۰)، گام‌هایی هستند که امیدورای‌ها برای چشم‌اندازی بهتر در روابط ایران و اتحادیه اروپا را افزایش داده‌اند.

## یادداشت

۱. این توافقنامه شامل طیف وسیعی از همکاری‌ها - از آزادسازی تجارت تا مسائل مربوط به انرژی، کنترل مواد مخدر، حمل و نقل، مهاجرت، محیط زیست، امور پناهندگان و... - میان اتحادیه اروپا و ایران می‌شد.

## منابع

### الف - فارسی

سازمان توسعه و تجارت ایران، سفر ۱۴۵ هیئت تجاری از ۴۸ کشور به ایران در ۹ ماه ۹۴، ۱۱ بهمن ۱۳۹۴:  
<http://farsi.tpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=425&newsview=2735>.  
علیخانی، حسین. ۱۳۸۴. تحریم ایران: شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی‌نژاد، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

### ب - انگلیسی

Ahearn, Raymond J. 2012. **U.S.-EU Trade and Economic Relations: Key Policy Issues for the 112th Congress**, Congressional Research Service.  
Algieri, Franco. 2007. A Weakened EU's Prospects for Global Leadership, **The Washington Quarterly**, 30:1.  
Amir M. Kamel. 2015. **The Political Economy of EU Ties with Iraq and Iran: An Assessment of the Trade-Peace Relationship**, Palgrave Macmillan.  
Ashdown, Paddy. 2012. Europe's free ride on the back of NATO is over, **The Telegraph**.  
**BBC News**. 2003. Outrage at 'Old Europe' Remarks, <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/2687403.stm>.  
**BP Statistical Review of World Energy**. 2015. <https://www.bp.com/>

- content/ dam/ bp/ pdf/ energy- economics/ statistical- review- 2015/ bp- statistical- review- of- world- energy-2015-full-report.pdf.
- Brunelli, Michele. 2011. EU Policy and US Strategy towards the Persian Gulf – Different Approaches for Common Goals? **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 2, No. 5.
- Dobbins, James. 2006. **Speech to the New America Foundation**, Washington, DC.
- Estelami, Hooman. 1999. A Study of Iran's Responses to U. S. Economic Sanctions, **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 3, No. 3.
- EU**. 2001. "Green Paper, Towards a European strategy for the security of energy supply". Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.
- EUCE**. 2008. Europeans Iran Diplomacy, European Union Center of North Carolina EU Briefings.
- Europe Online Magazine**. 2012. Gauck: Iran's Nuclear Programme Also a Threat to Europe, <http://en.europeonline-magazine.eu>.
- European Commission (Directorate General for Trade)**. 2012. available in: <http://ebookbrowse.com/tradoc-113440-pdf-d48156707>.
- European Commission (Directorate-General for Trade)**. 20/10/2015. European Union, Trade in goods with Saudi Arabia, [http:// trade. ec. europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113442.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113442.pdf).
- European Commission (Directorate-General for Trade)**. 20/10/2015. European Union, Trade in goods with Israel, [http:// trade. ec. europa. eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113402.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113402.pdf).
- European Commission (Directorate-General for Trade)**. 20/10/2015. European Union, Trade in goods with United Arab Emirates, [http:// trade. ec. europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113458.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113458.pdf).
- European Commission (Directorate-General for Trade)**. 20/10/2015. European Union, Trade in goods with Iran, 20/10/2015, [http:// trade. ec. europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113392.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113392.pdf).
- European Commission**. 2015. "European Union, Trade in Goods with Iran", [http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113392.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113392.pdf).
- European Commission**. Retrieved April 2016. Imports and Secure Supplies, [https:// ec.europa.eu/energy/en/topics/imports-and-secure-supplies](https://ec.europa.eu/energy/en/topics/imports-and-secure-supplies).
- European Commission**. Retrieved November 2015. [http:// ec. europa. eu/](http://ec.europa.eu/)

trade/ policy/countries and-regions/countries/iran/.

**European Union Delegation to the United Nations.** 1/1/2005. EU-Iran Negotiations for Trade and Cooperation Agreement, [http:// www.europa-eu-un.org/articles/fr/article\\_4209\\_fr.htm](http://www.europa-eu-un.org/articles/fr/article_4209_fr.htm).

Everts, Steven. 2004. **Engaging Iran: A Test Case for EU Foreign Policy**, the Centre for European Reform.

Fouquet, Helene. 2011. "Sarkozy Calls for Freeze of Iran's Central Assets, New Sanctions", **Bloomberg**.

Geranmayeh, Ellie. 2015. **Engaging with Iran: A European Agenda**, European Council on Foreign Relations.

Goldthau, Andreas. 2008. Divided over Iraq United over Iran. A Rational Choice Explanation to European Irrationalities, **European Political Economy Review**, No. 8.

Hendrik Heinze. Jul 2, 2012. EU Begins Boycott of Iranian oil, **Deutsche Welle**, <http://www.dw.de/dw/article/0,,16064179,00.html>.

Hopkins, Nick. 2011. UK Military Steps Up Plans for Iran Attack Amid Fresh Nuclear Fears, **Guardian**.

Kiernan, Peter. 2015. Europe's Oil Import Dilemma, **the FUSE**, <http://energyfuse.org/europes-oil-import-dilemma/>.

Korb, Lawrence & Hoffman, Max. 2012. What's Next for NATO? Defining a New Role for the Alliance in a Post-Cold War World, **Center for American Progress**.

Kristensen, Hans M. 2005. **U.S. Nuclear Weapons in Europe: A Review of Post-Cold War Policy, Force Levels and War Planning**, Natural Resources Defense Council.

Kugler, Richard L. 2009. **An Extended Deterrence Regime to Counter Iranian Nuclear Weapons Issues and Options**, Center for Technology and National Security Policy, National Defense University.

**NATO, Defence Expenditures of NATO Countries (2008-2015)**. 28 January 2016. [http:// www. nato. int/ nato\\_ static\\_ fl2014/ assets/ pdf/ pdf\\_ 2016\\_01/20160129\\_160128-pr-2016-11-eng.pdf](http://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/pdf_2016_01/20160129_160128-pr-2016-11-eng.pdf).

**NIE Report.** 2007. Iran: Nuclear Intentions and Capabilities.

Peterson, John. 2002. Europe America and 11 September, **Irish Studies in International Affairs**, Vol. 13.

Petroff, Alanna and Yellin, Tal. 2015. What it Costs to Produce Oil, **CNN Money**, [http:// money. cnn. com/ interactive/ economy/ the- cost- to- produce-](http://money.cnn.com/interactive/economy/the-cost-to-produce-)

a-barrel-of-oil/index.html?iid=EL?

- Reuters.** 2015. France and Qatar Seal \$7 Bln Rafale Fighter Jet Deal, <http://www.reuters.com/article/france-qatar-rafale-idUSL5N0XR2QJ20150430>.
- Rhode, Ben. 2009. Nuclear Proliferation: Threats to European security from a nuclear Iran, in: Bastian Giegerich & Virginia Comolli (Ed), **Report on European Security: Trends, Drivers, Threats**, European Joint Research Center.
- Sauer, Tom & Van der Zwaan, Bob. 2011. "U.S. Tactical Nuclear Weapons in Europe after NATO's Lisbon Summit: Why Their Withdrawal Is Desirable and Feasible," **Belfer Center Discussion Paper**, No. 2011-05, Harvard Kennedy School.
- Sputnik News.** 2015. France Strengthens Relations with Saudi Arabia despite Human Rights Record, <http://sputniknews.com/europe/20150625/1023812706.html>.
- Steinberg, James B. 2009. **Opening Statement before the Senate Banking, Housing and Urban Affairs Committee**, Washington, DC.
- The Military Balance 2016.** 2016. Rutledge (for: The International Institute for Strategic Studies).
- U.S. Department of Commerce,** Top U.S. Trade Partners. 2016. [http://www.trade.gov/mas/ian/build/groups/public/@tg\\_ian/documents/webcontent/tg\\_ian\\_003364.pdf](http://www.trade.gov/mas/ian/build/groups/public/@tg_ian/documents/webcontent/tg_ian_003364.pdf).
- Ünver Noi, Aylin. 2005. Iran's Nuclear Programme: The EU Approach to Iran in Comparison to the US' Approach, **Perceptions**.
- Walt, Stephen M. 2002. "Keeping the World "Off-Balance": Self-Restraint and U.S. Foreign Policy." In: G. John Ikenberry, **America Unrivaled: The Future of the Balance of Power**. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Waltz, Kenneth N. 1993. The Emerging Structure of International Politics, **International Security**, Vol. 18, No. 2.